

## زن در شاهنامه فردوسی (۱)

خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که در دوره فرخنده‌ای از تاریخ ایران زندگی می‌کنیم که انقلاب سفید و تحولات حاصله از آن یکبار دیگر کشور باستانی ما را با افتخارات گذشته قرین میکند و پاپیای ملل مترقی جهان بطرف ترقی و کمال رهنمون میشود.

توجه و عنایات شاهنشاه آریامهر به بسط و توسعه دانش و فرهنگ و صنعت امروزی توأم با احیاء و تجدید فرهنگ عظیم و اصیل و سرشار باستانی و ملی ما و توجه خاص معظم له بمعنویات یکی از اختصاصات و مزایای بسیار مهم و ارزنده این عصر درخشان است.

در قرن و زمانی که ما زندگی می‌کنیم و با تحولات شگرف و عظیمی که از لحاظ پیشرفت و تحول علم و صنعت و اقتصاد در جوامع جهان و از جمله در جامعه ما پدید می‌آید خواه ناخواه ارزشها و موازین و مبانی و اصول فرهنگی جدید بوجود می‌آید و برای اینکه این ارزشها و موازین در عین اینکه با مقتضیات دنیای ما متناسب باشد اصالت و خصایص و تمیزات ملی را حفظ کند توجه بفرهنگ اصیل ملی و اتکاء به آن، احیاء آن و بزرگداشت آن از مهمترین عوامل است.

خوشبختانه جناب آقای پهلبد وزیر محترم فرهنگ و هنر که خود نشان داده‌اند که از شیفتگان و علاقه مندان فرهنگ و هنر اصیل باستانی و

ملی و در عین حال باین تحولات و احتیاجات و تغییرات اجتناب ناپذیر واقف هستند در اجرای منویات شاهانه نهایت سعی و کوشش رامبذول میدارند که در عین درک مقتضیات عصر جدید و تغییرات و تحولات و پدیده‌های جدید فرهنگی و هنری آنی از توجه و ستایش و حفظ و نگه داری فرهنگ درخشان و سرشار ملی و باستانی غفلت نشود و این میراث و ودیعه گرانبهای اجداد و نیاکان و این گنجینه سرشار از نفایس و بدایع بی نظیر که حاصل قرن‌ها تاریخ و تمدن و سروری و علم و دانش و فرهنگ و هنر است حفظ و حراست شود و به نسل جوان و امروزی و هم چنین بجهان شناسانده شود تا علاوه بر حفظ افتخارات ملی درفنی ساختن فرهنگهای دیگران نیز کمک کند.

تشکیل مجالس و مجامع ادبی و بحث و تحقیق در فرهنگ گذشته ایران و تأثیرش در فرهنگ امروزی و غیره نظیر این مجلس از جمله همین اقدامات بسیار ارزنده و مهم است.

موضوع مورد بحث این جلسات «شاهنامه فردوسی و تأثیر آن در فرهنگ ایران» یکی از پرارزش ترین موضوعاتی است که ممکن بود مورد بحث و تحقیق قرار گیرد زیرا:

شاهنامه که یکی از بزرگترین آثار حماسی جهان است و تاریخ اساطیری و قسمتی از تاریخ واقعی ایران را از روی اسناد و مدارک مندرج در شاهنامه منثور معروف بشاهنامه ابومنصوری بنظم در آورده است در زبان فارسی بهترین سرمشق و بالاترین نمونه فصاحت ادبی و بلکه شاهکاری است که بزرگان و محققان جهان که در آن پژوهش کرده اند آنرا همپایه بزرگترین آثار حماسی جهان و فردوسی را یکی از بزرگترین حماسه سرایان جهان می شمارند. شاهنامه زنده کننده و حافظ زبان و ادبیات و تاریخ و روح مردانگی و شجاعت و افتخارات ایران است.

راجع بقدرت بیان و فصاحت فردوسی و ارزش ادبی شاهنامه سخن نمیکویم زیرا استادی که استادان بزرگ زبان فارسی او را خداوند و خود را بنده شمرده اند مستغنی از توصیف است چنانکه انوری گفته است:

آفرین بر روان فردوسی      آن همایون نواد فرخنده  
او نه استاد بود و ماشاگرد      او خداوند بود و مابنده

و نظامی عروضی که از استادان مسلم زبان فارسی و از سخن شناسان بزرگ زمان خود بود درباره فردوسی میگوید که «الحق هیچ باقی نگذاشت و سخن را با آسمان علّیین برد و در عذوبت بماء معین رسانید ... من در عجم سخنی باین فصاحت نمی بینم و در بسیاری از سخن عرب هم» (۱)

ابن اثیر در المثل السائر فی ادب الکاتب درباره مزایای شاهنامه و سخن فردوسی شرحی میگوید که بطور خلاصه چنین است: «در زبان عربی اگر شاعر قصد کند امور متعدد و معانی گوناگون را بنظم آورد و محتاج بقبول و نظم دوست یا سیمد بیت شود بیشتر ابیات آن سست می شود. اما نویسنده میتواند هر چه هم مفصل بنویسد نوشته اش نیکو باشد و در این مطلب اختلاف نظری نیست اما در این مورد عجمها بر عربها فضیلت دارند زیرا شاعر عجم میتواند کتابی را از اول تا آخر برشته نظم در آورد و کتاب شرح قصص و احوال باشد و در عین حال در نهایت فصاحت و بلاغت همانطور که فردوسی در کتاب خود معروف بشاهنامه کرده است که شصت هزار بیت و مشتمل بر تاریخ ایران و آن قران ایرانیان است. و هو قران القوم» (۲)

بزرگان و محققان و دانش پژوهان خارجی نیز در اهمیت شاهنامه از لحاظ ادبی و تأثیر آن در حفظ ملیت و زنده کردن مفاخر و مآثر و فرهنگ ایران باستان مقالات و کتابهای مفصل و مدون پرداخته اند.

پس ارزش ادبی شاهنامه و اثرش در حفظ و نگهداری زبان فارسی که از ارکان مهم ملیت ماست و هم چنین اشتمالش بر مجموعه داستانها و اساطیر باستانی و بعضی قسمتهای تاریخی و زنده و جاویدنگه داشتن آنها روشن و مبرهن است.

۱- چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی چاپ برلین ص ۵۴

۲- المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر از ضیاء الدین ابی الفتح

اهمیت این شاهکار جاودان تا بدانجاست که از حدود سی و پنجسال  
یا بروایتی هفتاد سال بعد از درگذشت حکیم بزرگوار (در تاریخ سیستان که  
در حدود ۴۴۵ تألیف یافته) از شاهنامه سخن رفته است.

از اواخر قرن هیجدهم میلادی که طبع شاهنامه تحقیق در شاهنامه و  
نقد شاهنامه و ترجمه آن بزبانهای اروپایی مورد توجه دانشمندان و محققان  
جهان قرار گرفت تاکنون بر طبق کتابشناسی فردوسی از سلسله انتشارات  
انجمن آثار ملی در حدود ۴۰۰ کتاب و مقاله در خصوص این شاعر و حکیم  
دانشمند و بزرگوار ماطبع و نشر شده است و قسمتی از شاهنامه یا شاهنامه  
بالتمام به بسیاری از زبانهای زنده دنیا ترجمه و طبع شده است (۱)

اما نکته بسیار مهمی را که باید در نظر داشته باشیم این است که  
شاهنامه نه تنها مشتمل بر افسانه‌ها و اساطیر ملی و بعضی قسمتهای تاریخی  
ایران است بلکه زبان گویای فرهنگ و تمدن باستانی ما نیز هست زیرا  
افسانه‌ها و اساطیر و داستانها ناگزیر نماینده و بیان کننده روحیه و افکار و  
اندیشه‌ها و آرمانهای مردمی است که در میان آن مردم بوجود می‌آید و نشو و  
نما میکند و از اینرو شاهنامه فردوسی هم مشتمل بر بسیاری از آداب و مراسم  
و مظاهر فرهنگ و تمدن و اخلاق و مذهب و حکمت و اجتماعیات اندرزا و  
پندهاست و میتوان گفت آینه روشن و تمام نمایی از این اصول و آداب و  
اندیشه‌ها و تفکرات و بقول جامع جمیع خصایص مدنی و اخلاقی و فرهنگی  
ایران باستان نیز هست.

در شاهنامه نه‌تنهایی بروج مردانگی و شجاعت، شرح جنگها، لشکر  
کشها، آداب رزم، دوش مملکتداری و شیوه سیاست و لشکر کشی پی‌می‌بریم  
بلکه باندیشه‌ها، افکار، احساسات، اخلاق، آرمانها و آرزوهای ملی نیز پی‌می‌بریم  
و بشاهکارهایی از توصیف مناظر طبیعی، وصف شب و روز، توصیف مجالس بزم  
و سوره عشقها و وسالها و ناکامیها بر می‌خوریم و بهمین جهت هم شاهنامه را  
تا امروز از جهات و دیدهای مختلف مورد بحث و تحقیق و تدقیق قرار داده‌اند.  
موضوعی که بنده امروز میخواهم بیعت در آن مبادرت جویم موضوعی

است که شاید بحث از آن تاحدی تازگی داشته باشد.

عرض کردم شاهنامه تنها يك شاهکار ادبی و حماسی نیست بلکه بیان کننده فرهنگ و تمدن و خصایص روحی و اخلاقی و اجتماعی ایران آنزمان بوده است که در دفترها ضبط بوده و فردوسی چنانکه مکرر اشاره کرده است. یکی نامه بد از که باستان فراوان بدو اندر و داستان

از روی شاهنامه ابومنصوری که شرح گردآوری آن و اسناد ومدارک و روایاتی که در تنظیم آن بکار رفته خارج از این مقال است بنظم در آورده است و بنا بر این شاهنامه یکی از بهترین منابع برای مطالعه در فرهنگ و تمدن و افکار و اندیشه ایرانیان باستان و از جمله مطالعه در وضع اجتماعی و مقام و موقعیت زن در جامعه است. زیرا وقتی صحبت از فرهنگ ملتی و عمق و اصالت این فرهنگ در ملتی بمیان بیاید یکی از ارکان مهم چگونگی وضع اجتماعی زن و سهمش در این فرهنگ و تمدن است.

اینکه گفتیم این بحث تاحدی تازگی دارد از این جهت است که تاکنون درباره شاهنامه از جنبه ادبی، حماسی لشکر کشی، آرایش جنگی، پند و نصیحت و اخلاقیات هنری و جهات دیگر بحثهای متعدد شده است و بحث چندانی راجع بزن در شاهنامه فردوسی از لحاظ وضع و مقام و موقعیت او در جامعه آنزمان نشده و بحثهایی که شده بیشتر از جنبه داستانی، از جنبه بعضی عوطف انسانی و عشقها و دلبستگیها و بعضی جنبه های دیگر بوده حتی بعضی باستناد بعضی ابیات در شاهنامه در انتقاد از زن فردوسی را مخالف بازن و نظر او را درباره زن نظری منفی و تخفیف کننده دانسته اند در صورتیکه ثابت و واضح است که فردوسی در نظم شاهنامه چنانکه بارها اشارت کرده است رعایت امانت کامل را کرده و مطالب نوشته در دفتر یعنی نسخه های اساسی که متن کار بوده بنظم در آورده است. و ما مجددا در اینمورد در جای خود بحث خواهیم کرد.